

مصائب غزه در پسا جنگ

چه چریائی اداره امور تلی خاک را برعهده خواهد گرفت؟



مونولوگ‌هایی که به دیالوگ سیاسی در جامعه تبدیل نمی‌شود

جامعه‌ایرانی در آستانه

ناشنوایی

همین صفحه



منارعه بی‌پایان بر سر منافع ملی و منافع گروهی تبدیل به زمین بازی ابدی شده است که هیچگاه سوت پایان یا خطا و اشتباه در آن به صدا نخواهد آمد. در چنین شرایطی کاملا پیداست که وفاق و همگرایی رئیس دولت چهاردهم نیز به بوته نقد خواهد رفت.

دولتی و حاکمیتی با اندیشه‌های جاری در بدن جامعه امروز ایران بدون وقفه در حال افزایش است. این گزاره فقط یک نقد بر شیوه‌های حکمرانی در چند دهه گذشته نیست، بلکه هشداری است که این روزها در سخنان بسیاری از مسئولان نظام نیز شنیده می‌شود. اگر از سطح کارشناسی و تذکرات جامعه‌شناسانه فراتر برویم و گوش شنوایی باشیم از درون حاکمیت بر آسیب‌های فزاینده‌ای که در کمربند شدن تعامل فکری مردم و حاکمیت ایجاد شده، سخن گفتن از مشکلاتی که جامعه ایرانی با آن مواجه شده، آسان‌تر به نظر می‌رسد، چرا که مونولوگ‌های حاکمیتی این روزها بیشتر از نقد واسطه‌های اجتماعی در این باره است. از رئیس مجلس شورای اسلامی گرفته تا دستیاران رئیس‌جمهور نقدهایی را عنوان می‌کنند که هم جدی است، هم جدی گرفته نمی‌شود. این جدی بودن سهل‌انگارانه از سوی جامعه دلایل متعددی دارد، چرا که نقد و عملکرد در دو مسیر متفاوت دالماً در حال خنثی کردن یکدیگر هستند.

سکوت و عدم مشارکت

بنای پروپاگاندای سیاسی بر این اصل استوار است که تکرار یک امر بدیهی و پیش‌یا افتاده، هرچند در آغاز ممکن است جامعه‌پذیری چندانی نداشته باشد، اما انعکاس آن به دفعات می‌تواند بر امر ساده‌ای را به یک موضوع جدی و قابل اعتنا تبدیل کند. این تکرار همانگونه که جنبه‌های مثبت در عرصه سیاسی را برای حاکمان مهیا می‌کند، این قابلیت را دارد که با خالی شدن از تفکر عملگرایانه، ناشنوایی و ناپیایی سیاسی و اجتماعی ایجاد کند.

در وضعیت حادتر می‌توان این شرایط را به گونه‌ای از تضاد فکری و منافع میان حاکمیت و مردم تشبیه کرد که در تعارض یا یکدیگر به مسالمت منفی می‌رسند. این مسالمت گاهی به تلافی سیاسی یا اجتماعی می‌رسد که گاهی در سطح استمرار شرایط سکوت و نظاره‌گری خودنمایی می‌کند، هر دو وضعیت مخاطره‌آمیز است؛ چه زمانی که انباشت مطالبات سرریز می‌کند، چه زمانی که به شکل روندی از ناراضیاتی بدون علائم فیزیکی در حال رشد منفی است، و سیاهچاله‌های عدم مشارکت را عمق می‌دهد. در این باره بارها از زبان سیاسیون در چند ماه اخیر شنیده‌ایم که یادآوری کرده‌اند «نباید ۵۰ درصدی را که اصلا مشارکت نکردند و پای صندوق‌های رای نیامدند را فراموش کنیم.»

مونولوگ‌هایی که به دیالوگ سیاسی در جامعه تبدیل نمی‌شود

آنچه که دستمایه این تحلیل شده ابتدا با اظهارات وزیر ارشاد آغاز شد و بعد در جست‌وجوی صحبت‌های اخیر مسئولان دیگر به یک نقد درباره گفتمان حاکم بر دولت و حاکمیت رسید که بیان واضح و آشکاری است برعادی‌سازی مونولوگ‌هایی که (به دلیل موانع عملگرایی اصلاح‌گرانه) به مرور در حال شکل دادن به ناشنوایی

سه‌شنبه ۲ بهمن ۱۴۰۳
۲۰ رجب ۱۴۴۴
۲۱ ژانویه ۲۰۲۵
سال بیستم
شماره ۵۸۳۰
صفحه ۱۲
تومان ۱۰۰۰۰

ایستگاه

ایران و آمریکا با وجود فشارهای داخلی گفت و گو خواهند کرد؟

چراغ سبز مذاکره

گروه سیاست خارجی – مسعود پزشکیان رئیس جمهور کشورمان در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی NBC آمریکا با تاکید بر اینکه ما نسبت به سابقه عملکرد آمریکا و کشورهای اروپایی از نقض عهد در تعهدات نگرانی داریم،گفت: با این وجود آماده گفت‌وگو هستیم؛ ما یک گفتگویی برابر و با در نظر گرفتن عزت و حکمت خودمان را می‌پذیریم و به هیچ‌وجه تابع زور نخواهیم شد.

حالا با روی کار آمدن ترامپ بحث مذاکره با آمریکا داغ شده است. در عین حال فشارهای داخلی همچنان بر عدم مذاکره وجود دارد. باید دید آیا نظر رئیس جمهور بر آمده از رای و نظر مردم می تواند بر فشار تندرورها در داخل پیروز شود؟

احتمالات بر سر «مذاکره ایران و آمریکا» طی هفته های اخیر تبدیل به موضوع محوری در فضای رسانه‌ای و سیاسی شده است و سیگنال‌های ارسالی از سوی مقامات ایران و دولت جدید آمریکا نیز این احتمال را جدی تر کرده است.

در همین راستا، عبدالرضا فرجی‌راد، تحلیلگر سیاست خارجی و استاد ژئوپلیتیک درباره مذاکره ایران و آمریکا به خبرگزاری خبر آنلاین گفت: «اگر با ترامپ که از امروز وارد کاخ سفید خواهد شد، وارد گفت و گو نشویم، آمریکایی ها با توجه به سانتر یفیوژهای به کار گرفته شده فشارهای بیشتری را وارد خواهند کرد و تحریم نفتی بیشتری اعمال می کنند. لذا رئیس جمهور انتخاب درستی کرده و باید با آمریکا وارد گفت و گو شویم.»

وی با اشاره به مخالفان مذاکره با آمریکا گفت: «اگر مجموعه نظام تصمیم گرفته باشد، می توانند مخالفت خودشان را بیان کنند اما نمی توانند در برابر آنچه تصمیم گرفته سنگ اندازی کنند.»

شرح درصفحه ۱



روند اصلاحی بورس تا پایان هفته ادامه دارد

فتح قله شاخص ۳میلیون

واحد تا پایان سال

صفحه ۸

پرورنده جنجالی کرسنت و خسارت‌هایی که همچنان هست

پرداخت غرامت از

جیب مردم

صفحه ۱



دنیا منتظر تصمیم های عجیب باشد؟

صدور ۱۰۰ فرمان اجرایی در روز

نخست ریاست جمهوری ترامپ

صفحه ۱



سرمقاله

شهاب زمانی



گفتمان وفاق؛ بایدها و نبایدها

ساخت سیاسی کشورها در طول تاریخ خود، همیشه مسیر صفر تا صدی را طی می کند، تا در نهایت، به جامعه ای منتهی شود ، که نتنها برگرفته از ارزش های فرهنگ عمومی جامعه خود باشد، بلکه برآمده از خواسته ها و نیازهای آحاد جامعه نیز باشد؛ به نحوی که، رضایتمندی حداکثری از کارکرد حکمرانی و فضای حاکم بر جامعه، حاصل آید؛لذا گفتمان وفاق، یک رویکرد حیاتی برای هر جامعه ای، در مواقع ضروری و برای تقویت همکاری و مسئولیت مشترک جامعه، نخبگان و نهادهاست، که می تواند بینش های ارزشمندی را برای سیاست گذاران، سیاستمداران و شهروندانی که دغدغه توسعه همه جانبه و منافع (امنیت) ملی را دارند، ارائه دهد. از این رو، فضای حاکم بر انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم و تحولات مختلف پیش از آن، موجب طرح ایده « وفاق ملی» از سوی مسعود پزشکیان، رئیس جمهور منتخب گردید، تا نتنها به تلطیف فضای عمومی جامعه منجر شود، بلکه امیدها را، در مسیر گفتمان وفاق، همسو و هم جهت نماید، هدفی که تلاش جهت رضایتمندی مردم، حضور حداکثری مردم ونوجه دغدغه های مردم قلمداد می شود، تا فضای همدلی و همزبانی در جامعه متکثر ایرانی، نمودی عینی تر پیدا کند. در واقع، در گفتمان وفاق، ساخت قدرت به سمت گفت و گو و مشارکت حکمرانی با گروهایی است، که به وفاق ملی باوردارند و درجهبه تمامیت خواهان قرار ندارند؛ بطوری که، نوعی مصالحه ملی نانوشته، در جهت هدف بزرگتری، شکل می گیرد؛ این هدف می تواند حفظ انسجام ملی و ایجاد ستونی مستحکم در برابر تهدیدات خارجی قلمداد شود؛ آنگونه که، در دوره وفاق، گروههای اجتماعی و احزاب سیاسی، تلاش می کنند، فارغ از جامعه متکثر تمامیت خواهی(از هر نوع آن)، به راه حل های مصلحتی و جامع الطرفینی، برای کاهش درگیری ها و اختلافات موجود دست یابند و روندهای مورد توافقی را عملی سازند، که رضایت افکار عمومی را نیزجلب نماید.

ادامه درصفحه ۱

مونولوگ‌هایی که به دیالوگ سیاسی در جامعه تبدیل نمی‌شود

جامعه ایرانی در آستانه ناشنوایی



امروز مردم از نوع مدیریت ما در زندگی خودشان گله‌مند هستند. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که رتبه اول نفت و گاز دنیا را داریم، اما در تابستان برق نداریم و زمستان گاز نداریم. ما باید اینها را از یک جایی حل و فصل کنیم.»

جامعه بدون میانجی سیاسی

نکات مطرح شده از سوی دولتمردان و مسئولان در فصل مشترک سرمایه اجتماعی و انتظارات مردمی در حالی مطرح می‌شود که این موضوعات حداقل در یکی دو دهه اخیر گفته شده و بیان آنها تکرارخواسته‌هایی است که شعاری شدن مطالبه را بیش از رویکردهای عملگرایانه نشان می‌دهد. اینکه چرا در مهمترین مطالبات و حداقلی‌ترین خواسته‌های اجتماعی به ورطه فرسودن سیاست افتاده‌ایم پاسخ‌های متعددی دارد. در وهله نخست نبود میانجی‌های منصف و عملگر در ایران، وضعیت را به تقابل شعار و ناشنوایی اجتماعی پیش برده است. هر چه بیشتر گفته می‌شود، کمتر شنیدارهای موثر تولید خواهد شد. این وضعیت در نبود میانجی‌های سیاسی یا میانه‌روها به بازتولید ناراضیاتی پیش از مشارکت برای کاهش مشکلات می‌انجامد، چرا که جامعه سرخورده از دور باطل شعار به شدت نتیجه‌گراست و تحمل انتظار برای میوه‌چینی ندارد، هر چند که کارکردهای موقتی در راستای بهبود باشد. نه میانجی وجود دارد که صبر برای چیدن میوه‌ها را شیرین و قابل تحمل نماید، نه حاشیه‌سازی‌های تکراری این فرصت را در جامعه ایجاد می‌کند.

حاشیه سازان و تخریب‌کنندگان دولت در ماه‌های اخیر زیر سایه شعار وفاق و میدانی که مسعود پزشکیان برای آنها باز کرده توانستند با مهمترین شعارهای دولت سیاسی تبدیل به گذور و راهکار می‌گردند و راهکار دوم تقویت امید سیاسی کنند. از تمایل دولت چهاردهم برای مذاکره با ترامپ و ایجاد گشایش‌های اقتصادی گرفته تا رفع فیلترینگ و تعلیق قانون حجاب، زیر سایه فریادهای رادیکال تبدیل به گذورت و دوقطبی‌سازی‌هایی شده تا پیام وفاق را کمربند کنند.

جامعه بدون داور و پایان منازعه سیاسی

موضوع مهم دیگری که بیان آسیب‌های شناسایی شده را تبدیل به مونولوگ‌های تکراری و بدون نتیجه

تبدیل کرده، نبود داور نهایی برای رسیدن به یک برنامه مشخص و نقشه راه در حوزه‌های حکمرانی است. برنامه‌ها و نقشه‌های اقتصادی و سیاسی فقط آینده را بهشت معرفی می‌کند در حالیکه زمان حال برای چند نسل، در حال سپری شدن است. گویا منازعه بی‌پایان بر سر منافع ملی و منافع گروهی تبدیل به زمین بازی ابدی شده است که هیچگاه سوت پایان یا خطا و اشتباه در آن به صدا نخواهد آمد. در چنین شرایطی کاملا پیداست که وفاق و همگرایی رئیس دولت چهاردهم نیز به بوته نقد خواهد رفت. برخی خواهند گفت تعریف دقیق وفاق چیست؟ این سوال از این منظر مطرح می‌شود که سقف منازعه درباره مهمترین موضوعات سیاسی و اقتصادی کشور مشخص نیست و جناح‌های سیاسی از تندور تا میانه هر کدام می‌توانند ساز خود را برای نواختن مستمر کوک کنند.

مشکلات ناشی از این خلأ درباره موضوع حجاب، فیلترینگ، مذاکره با آمریکا و رفع محدودیت‌ها تبدیل به فهم اشتراکی از شرایط شده است، فهمی که بر اساس آن «هیچ شعاری محقق نخواهد شد، مگر اینکه خلاف آن به عینه واقعیت یابد.» بدون تردید از دست رفتن سرمایه‌های اجتماعی از اعتماد عمومی به حکمرانان، محصول مستقیم چنین رفتاری است که نقطه پایان منازعه معلوم نیست، در حالیکه نقد شرایط موجود تبدیل به یک رویه روزمره در میان مسئولان نیز شده است.

این وضعیت نه تنها ضریب نفوذ نقدها و تاثیر آنها را بر بدنه اجتماعی کاهش می‌دهد، بلکه ترک صحنه مشارکت و تلاش برای بهبود را تجویز می‌کند. نباید فراموش کرد که جمله «هرکس از این شرایط ناراضی است، جمع کند و از کشور برود» تبدیل به نسخه نهای برای ناراضیان از وضع موجود شده بود. باید اعتراف کرد که خاموش شدن این صداها زیر سایه شعار وفاق به منزله از بین رفتن این اندیشه انحصارطلب نیست، بلکه آنها میدان منازعه را بنا به شرایط تغییر داده‌اند و مردم را به این دریافت کلی رسانده‌اند که قدرت اقلیت در برابر باور و مطالبه اکثریت شانس بیشتری برای به کرسی نشستن دارد.

تلاش رئیس‌جمهوری برای تغییر این شرایط با دشواری‌های زیادی مواجه خواهد بود، بخصوص اینکه مخالفان دالماً سعی می‌کنند غیرممکن بودن پیگیری یک هدف مشترک در کشور را تداعی کنند. آنها با کارشنکی سیاسی و اقتصادی این پیام را به مردم می‌دهند که با وجود ما هیچ تغییری به نفع عامه رخ نخواهد داد. از این رو دولت دو راهکار مهم را برای تغییر روند موجود باید مد نظر قرار دهد. راهکار ابتدایی از مسیر فرهنگ‌سازی امکان تغییر و مطالبه می‌گذرد و راهکار دوم تقویت امید به تغییر با عملیاتی کردن شعارهای دولت و مطالبات مردم.

این مسیر که با مسکوت گذاشتن ابلاغ قانون حجاب، رفع گام به گام فیلترینگ آغاز شده در ادامه با ایجاد بسترهای مذاکره و رفرم سیاست خارجی به تقویت کفه اکثریت مردمی و مشارکت آنها می‌انجامد. مقابله با عادی کردن وضعیت موجود با مونولوگ‌های حاکمیتی امکانپذیر نیست، باید دست به کار شد.